



ارائه مدل ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران

افسانه زمانی مقدم (مسئول مکاتبات)

دانشیار مدیریت، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

AFZ810@gmail.com

نعیمه ولیان

واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر عبارت بود از ارائه مدل ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران. روش پژوهش عبارت بود از روش ترکیبی کیفی به روش تئوری زمینه‌ای و مدل معادلات ساختاری به روش کمی. جامعه پژوهش در بخش کیفی عبارت بودند از اساتید، متخصصان و خبرگان در این حوزه و در بخش کمی عبارت بودند از خبرگان و صاحب‌نظران، متخصصین و افراد آگاه. تعداد نمونه در بخش کیفی که به صورت هدفمند انتخاب شد، ۲۲ نفر و در بخش کمی، با استفاده از فرمول کوکران ۳۴۴ نفر انتخاب شدند. ابزار تحقیق عبارت بود مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، در بخش کیفی به روش دلفی و از طریق کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) با استفاده از نرم افزار MAXQDA و در بخش کمی به دو روش توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS انجام شد. نتایج نشان داد هشت مولفه در تبیین الگوی مناسب برای ارائه مدل ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران؛ نقش دارند که عبارتند از: مولفه مالی و فیزیکی، منابع انسانی، آموزش و یادگیری، علمی و نوآوری، تربیت اقتصادی و اجتماعی، مدیریت و ارزیابی، مشاوره تحصیلی، و در نهایت پرورش جسمی، روحی و روانی. جهت بررسی برازش مدل، به بررسی R^2 و RS پرداخته شد که وجود R^2 پایین و نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از سه، و همچنین ضریب تعیین و ضریب تعدیل شده محاسبه شده؛ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل بود.

واژگان کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اشتغال‌زایی، فنی و حرفه‌ای استان تهران.

۱. مقدمه

مدرسه، دوره‌ها و آموزش و همچنین سایر آموزش‌ها انجام شود. آموزش حرفه‌ای به‌منظور توسعه توانایی‌های مهارت‌های نرم و (به‌ویژه) مهارت‌های سخت برای آماده‌سازی منابع انسانی (کار یا کارآفرینی) برای داشتن ارزش‌هایی است که می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی به افزایش بهره‌وری کمک کند. پیش‌بینی دیگر این است که انتظار می‌رود اجرای آموزش حرفه‌ای به‌طور تدریجی به افزایش رقابت‌پذیری کشور کمک می‌کند. طبق ILO و یونسکو^۳، اصطلاح آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای^۴ برای اشاره به جنبه‌هایی از فرآیند آموزشی استفاده می‌شود که علاوه بر آموزش عمومی، مطالعه فناوری‌ها و علوم مرتبط و کسب مهارت‌های عملی را هم شامل می‌شود. همچنین نگرش‌ها، درک و دانش مربوط به مشاغل در بخش‌های مختلف زندگی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را هم در برمی‌گیرد (پیلز^۵، ۲۰۱۷). آموزش حرفه‌ای، پروژه‌ای مهم و قابل‌توجه برای توسعه ظرفیت‌های لازم برای رفع نیازهای جامعه، کمک به افراد برای شناسایی و کسب مهارت در مشاغل انتخابی‌شان و حفظ آن شایستگی‌ها در طول عمر کار طولانی آن‌ها است. همه این‌ها به فرآیند تفکر و عمل بستگی دارد (بیلت^۶، ۲۰۱۶). دیویی^۷ بیان کرد که آموزش حرفه‌ای دو هدف کلیدی دارد: کمک به افراد برای شناسایی مشاغل مناسب برای آن‌ها و همچنین توسعه ظرفیت برای انجام آن مشاغل از جمله اهداف اصلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هستند (دیوید گایل و آنوین^۸، ۲۰۱۹). امروزه برای رویارویی با چالش‌های انقلاب صنعتی ۴،۰ (حتی ۵،۰) و توانایی‌های قرن بیست و یکم، صلاحیت‌های حرفه‌ای باید گسترش یابد. صنعت به آموزش حرفه‌ای نیاز دارد که توسعه فردی و اهداف اجتماعی مانند تفکر انتقادی، سازگاری، خلاقیت و کارآفرینی را به‌عنوان پیش‌نیازهای مرتبط با نیروی کار در

بدون تردید، آموزش و پرورش تأثیری آشکار در افزایش تولید و درآمدها دارد و در این میان، آموزش متوسطه، به‌ویژه آنچه جنبه فنی و حرفه‌ای دارد، از مقوله‌ی سرمایه‌گذاری تولیدی و وسیله توسعه‌ی اقتصادی قلمداد می‌شود. همانطور که از هنرستان‌ها انتظار می‌رود باید به عنوان مراکز تولید کار، عمل کنند و شهروندان کارآفرین تربیت نمایند. پرواضح است که آموزش و پرورش، عمل زیربنایی رشد و توسعه کشورها قلمداد شده است و از آن به منزله "صنعت رشد" یاد می‌شود، لیکن در حال حاضر نارضایتی بسیاری از دول جهانی، از عملکرد آموزش و پرورش حاکی از نگرانی آن‌ها از این موضوع است که اقتصاد کنونی و آینده و چالش‌های اجتماعی به نحوی مناسب پاسخگوی این نظام نیست. از دهه ۱۹۷۵ میلادی تاکنون اعتقاد بسیاری از کشورهای توسعه یافته اروپایی و امریکایی این بوده است که کاهش رشد اقتصادی و شکست در رقابت‌های بین‌المللی به نحوی متأثر از عملکرد نظام آموزش و پرورش بوده است. روشن است که رشد و توسعه اقتصادی کشورها با نظام آموزش و پرورش آنها گره خورده است و مطالعات اقتصادسنجی^۹ بسیاری نیز نشان داده اند که آموزش و پرورش، شاخص پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود (باقری فر و صالحی، ۱۳۹۶، ۱۲). با این مقدمه در این فصل به بررسی کلیات پژوهش پرداخته شده است. ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی حرفه‌ای، نیاز به ایجاد سیستم‌های حرفه‌ای آموزش و شناسایی متغیرهای مؤثر بر آن است. همچنین، به غیر از آموزش عمومی، آموزش حرفه‌ای یکی از طیف‌های اصلی در جهان آموزش است. اصولاً، آموزش حرفه‌ای می‌تواند در سطح آموزش عالی، آموزش متوسطه، پس از

^۳Pilz

^۴Billet

^۵Dewey

^۸David Guile & Unwin

^۹ . Development Industry

^۲ . Econometric

^۳UNESCO

^۴Technical and Vocational Education and Training (TET)

مودیه ۶، ۲۰۱۷). آلمان، کانادا، بریتانیا، اتریش از جمله کشورهای هستند که بر توسعه جنبه‌های آموزش حرفه‌ای مستحکم و نوآورانه برای تقویت استراتژی‌های آینده خود تمرکز می‌کنند (جونز، ۷، ۲۰۱۸). یکی از اهداف آموزشی کارآفرینی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بهبود توانایی‌های فردی و تخصصی مهارت آموزان است. آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند از طریق دانش‌افزایی، باعث افزایش فرصت‌های بازار شده و سطح تقاضای کارآفرینی را ارتقاء بخشد. از این رو در این پژوهش محقق به دنبال ارائه مدلی جهت ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران می‌باشد.

۲. مروری بر ادبیات نظری

۲-۱- اهمیت و ضرورت مهارت‌آموزی و آموزش مهارت

امروزه، کار، اشتغال و بیکاری جوانان به علت عدم تسلط بر مهارت‌های مورد نیاز به بازار کار، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشورها بوده است (تجری، صالحی، عمران، مهرعلیزاده و علیزاده، ۱۳۹۸؛ مقیمی، خنیفر، اردیبهشت و شریفی، ۱۳۹۷؛ یائو، ۲۰۱۹). برای مقابله با چنین بحران‌ها و چالش‌هایی، نظام‌های اقتصادی دنیا، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را به عنوان راهکاری جهت توانمندسازی افراد و توسعه‌ی پایدار ملی، ممانعت از بیکاری، پاسخ به نیاز جوامع به نیروی کار ماهر، افزایش بهره‌وری و دستیابی به فرصت‌های شغلی و بهبود کیفیت زندگی بررسی کرده است (تابسری و بانسنگ، ۲۰۱۳؛ جمالی، نیلی و شادفر، ۱۳۹۴؛ لیتکه و سانگ، ۲۰۱۵؛ نیر، ۲۰۰۹؛ یونسکو، ۲۰۱۶). تاریخچه آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران نیز از دیرباز مورد توجه سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی بوده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور در سال ۱۳۴۴ تحت عنوان

اولویت قرار دهد (هاج، اتکینز و سیمونز، ۲۰۱۶؛ بیلت، ۲۰۱۶؛ جونز، ۱، ۲۰۱۸). در کشور آلمان که دارای یک سیستم برجسته دوگانه با ادغام تمرین مبتنی بر کار و یادگیری مبتنی بر مدرسه در طول دوره کامل مطالعه است، کارفرمایان نقش اصلی را دارند زیرا متعهد به استخدام دانش‌آموزان و ارائه مهارت‌ها، مهارت‌های عملی و آموزش مورد نیاز به آن‌ها هستند (نیرانجان، ۲، ۲۰۱۸). در همین حال در کشورهای شمال اروپا مانند نروژ، آموزش حرفه‌ای (به‌ویژه دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای) به‌عنوان منابع دانش و شایستگی هستند که بسیار مهم و مطلوب تلقی می‌شوند. در نتیجه، تقاضا برای نیروی کار فارغ‌التحصیل از کالج‌های حرفه‌ای در سیاست‌های صنعتی اخیر نروژ بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (لوند و کارلسن، ۳، ۲۰۲۰). نگرانی در مورد عدم رقابت در بازار کار به بحث‌های سیاستی رسیده است. نگرانی فزاینده‌ای در مورد افزایش تمرکز بازار و اثرات بالقوه آن بر اقتصاد، از جمله افزایش نشانه‌گذاری‌ها و کاهش سهم نیروی کار وجود دارد (آزار، مارینسکو و استاینباوم، ۴، ۲۰۲۰). از سوی دیگر، این امر منجر به ایجاد اصلاحات در حمایت از نیروی کار، یعنی حفاظت در برابر اخراج و محدودیت در قراردادهای برای دوره‌های زمانی خاص، پوشش مزایای بیکاری؛ و شدت سیاست‌های فعال بازار کار نیز صادق است. (ایچورست و همکاران، ۵، ۲۰۱۷). در همین حال، در بسیاری از کشورهای انگلیسی‌زبان، به‌ویژه در استرالیا و کانادا، بهبود رابطه بین مدارک تحصیلی پس از متوسطه و اشتغال بیشتر نیروی کار مطابق با ساختار بازار کار مورد توجه مدیران آن کشورها می‌باشد تا ماهیت مدارک تحصیلی آن‌ها و درجه اول موضوع تقاضا بازار در آن‌ها به‌صورت تخصصی رعایت گردد. در نتیجه به‌جای عرضه مدارک تحصیلی به بررسی تقاضاهای مورد نیاز بازار پرداخته شده است (ویلاهان و

^۴Azar, Marinescu, & Steinbaum

^۵Eichhorst, Marx, & Wehner

^۶Wheelahan & Moodie

^۷Jones

^۱Hodge, Atkins, & Simons, ۲۰۱۶; Billett, ۲۰۱۶; Jones

^۲Niranjan

^۳Lund & Karlsen

افزایش فعالیت‌های نوآورانه و بهبود ظرفیت نوآورانه و رقابتی در سازمان‌ها دارد و به عنوان موضوع مهمی مطرح است (مک دوگال و اویت^۱، ۲۰۰۰). کارآفرینی از فاکتورهای اصلی ایجاد ارزش اقتصادی و ابزاری کارآمد برای ایجاد اشتغال اثربخش و کاهش تعداد بیکاران تلقی می‌شود. همچنین، کارآفرینی به منظور افزایش رشد اقتصادی، بهبود استانداردهای زندگی و افزایش درآمدهای مالیاتی مورد توجه سران حکومت‌ها و دولت‌ها است. واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی^۲ گرفته شده است که به معنای متعهد شدن است. این واژه در سال ۱۸۴۸ توسط جان استوارت میل، وارد زبان انگلیسی شده است (احمدپور داریانی، ۱۳۸۴). سیاست‌ها و برنامه‌های اشتغال‌زایی به انواع مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تقسیم‌بندی سازمان بین‌المللی نیروی کار است که شامل سیاست‌های فعال مستقیم و غیرمستقیم و سیاست‌های منفعل بازار کار بوده است. سیاست‌های فعال غیرمستقیم بازار کار شامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر آموزش‌ها، بازآموزی بیکاران، انطباق برنامه‌های نظام آموزشی کشور با نیازهای بازار کار و ایجاد انعطاف‌پذیری در آن‌ها، ارائه مشاوره به نیروی کار، اطلاع‌رسانی به نیروی کار و کارفرمایان و مشارکت و همراهی در جستجوی کار برای بیکاران بوده است. برنامه‌های اشتغال‌زایی سیاست‌های فعال مستقیم بازار کار شامل ایجاد مشاغل کوچک است که کشورها عمدتاً در بخش‌های عمومی مثل ساختمان‌سازی، تمیزی محیط‌زیست، بهداشت و غیره کار ایجاد می‌کنند. کمک به بیکاران برای وارد شدن در فعالیت‌های بازرگانی کوچک و واسطه‌گری‌ها، اعطای کمک‌های مالی به منظور خوداشتغالی آنان، پرداخت‌های یارانه به کارفرمایان بخش خصوصی، پرداخت یارانه به افراد برای خوداشتغالی، آموزش و بازآموزی بیکاران و جستجوی شغل از سیاست‌های فعال مستقیم بازار کار به شمار می‌رود. گروه سوم، سیاست‌های

انستیتوهای تکنولوژی بر اساس مجوز رسمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (سابق) با ارائه اساسنامه‌ای تعیین‌شده و جهت تربیت تکنسین‌های درجه یک (دستیار مهندس و مهندس عملی) تحت نظر هیأت امنای پلی تکنیک تهران با سطح‌بندی دوساله تأسیس گردیده است. در سال ۱۳۴۸ مراکز تربیت معلم فنی و حرفه‌ای تحت پوشش دفتر امور مدارس عالی فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش نیز آغاز به کار نموده است. همچنین، در سال ۱۳۵۹ همزمان با تعطیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، در برنامه‌های درسی و آموزشی انستیتوهای تکنولوژی تغییرات بنیادی به وجود آمده است و پس از بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، با تکیه بر اصول حاکم بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ضوابط شورای عالی انقلاب فرهنگی، این مراکز مجدداً عهده‌دار اجرای دوره‌های کاردانی باهدف تربیت تکنسین‌های فنی در رشته‌های مختلف مورد نیاز بخش‌های صنعتی کشور برگزار کرده است. از سال ۱۳۶۵-۱۳۶۶، مدارس عالی، به موازات اجرای دوره‌های کاردانی ناپیوسته، اقدام به تربیت دبیر فنی در سطح کارشناسی ناپیوسته توسط برخی از آموزش‌شکده‌ها (انستیتوهای تکنولوژی) برگزار نمود. از سال تحصیلی ۱۳۷۴-۱۳۷۵، دنبال تصویب و اجرای نظام جدید آموزش متوسطه، دوره ۲ ساله کاردانی پیوسته در رشته‌های فنی و حرفه‌ای در کلیه آموزش‌شکده‌های فنی و حرفه‌ای کشور به اجرا درآمده است. نهایتاً دانشگاه فنی و حرفه‌ای از سال ۱۳۹۰، به عنوان تنها دانشگاه متولی آموزش عالی فنی و حرفه‌ای در با مجوز رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کار خود را آغاز نمود. یکی از مفاهیم منجر به اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، واژه کارآفرینی است که امروزه اهمیت کارآفرینی در توسعه جوامع آشکار و نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این بخش تأثیرگذار می‌باشد. کارآفرینی نقش کلیدی در بهبود بهره‌وری،

^۲Entrepreneure

^۱McDougall

کار مولد» به عنوان دو گزاره ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی ذکر شده اند که این خود بیانگر اهمیت و توجه ویژه به مهارت آموزی در نظام آموزشی کشور می باشد. یکی از هدف های عملیاتی سند تحول بنیادین، پرورش تربیت یافتگانی است که: «دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشند به گونه ای که در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره ی خانواده را داشته باشند.» لیکن علی رغم این تأکید بر مهارت آموزی همان گونه که مرادی دهقی و همکاران (۱۳۹۷) به نقل از زعفرانیان بیان کرده اند:

۲-۳- چالش های اساسی هنرستان های فنی و حرفه ای و کار دانش

هدف اصلی موسسات حرفه ای، آماده سازی دانش آموزان برای اشتغال موفق در بازار کار است. این شرط را می توان از طریق برنامه درسی مناسب و جامع و یک کارگاه مجهز با امکانات آموزشی مربوطه برآورده کرد. کارگاه های آموزشی مدارس فرصت هایی را برای آموزش عملی دانش آموزان در زمینه مهارت های فنی خود برای توسعه آینده بخش های اصلی اقتصاد به منظور پاسخگویی به نیازهای اساسی برق، راه و ماشین آلات و غیره فراهم می کنند. پروژه های عملی دانش آموزان بخش مهمی از برنامه درسی در آموزشگاه های فنی است، اما یک محیط مدرسه ی پشتیبان یک ضرورت اساسی برای اجرای موفقیت آمیز برنامه درسی است. این جنبه از برنامه درسی فقط در مواردی قابل اجرا خواهد بود که امکانات موجود در کارگاه کافی و مرتبط باشد (عمر^۱ و ماجی^۲، ۲۰۱۰، ۶۵).

حسن پور (۱۳۹۷) به نقل از نویدی و محمدی (۱۳۹۰) عوامل بازدارنده تحقق هدف های تأسیس هنرستان های فنی و حرفه ای و کار دانش را چنین بیان می کند:

منفعل بازار کار است که در آن مستقیماً برای بهبود زندگی بیکاران به آنان پول پرداخت می کند. به طور خلاصه، سیاست های اشتغالی زایی به کشورها کمک می کنند تا بتوانند نیروی انسانی کارآمد را تربیت کرده و بر اساس نیاز به بازار کار، انتقال دهند.

۲-۲- استانداردهای و مهارت آموزی از نگاه سند تحول بنیادین

در برنامه تحول بنیادین مدرسه رکن اصلی نظام آموزشی و جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبه، کانون عرضه ی خدمات و فرصت های تعلیمی و تربیتی، زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت توسط دانش آموزان و تکوین و تعالی پیوسته ی هویت آنان بر اساس نظام معیار اسلامی است. مدرسه مکانی امن و غنی شده از برنامه های آموزشی و پرورشی برای همه دانش آموزان است و نقش آن علاوه بر ارتقای دانش و مهارت دانش آموزان، ایجاد آمادگی در آنان متناسب با انتظارات حال و آینده جامعه است. در چنین شرایطی و در افق چشم انداز ۲۰ ساله کشور، مدرسه تبدیل به مکانی خواهد شد که دانش آموزان از حضور فعال در آن لذت می برند و از ترک نمودن آن اکراه دارند. در این مدرسه دانش آموز نه تنها در بخش آموزش بلکه در زمینه تربیت دینی و اخلاقی خود با معلمان مشارکتی فعال دارد. بنابراین دانش آموز، مرکز توجه و محور فعالیت ها ست. به عبارت دیگر، در این مدرسه رویکرد دانش آموز محوری در کنار رویکردهای موضوع محوری و معلم محوری مورد تأکید و توجه است. (حاجی بابایی، ۱۳۹۱، ۵۳-۵۲)

در سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) «مسئولیت پذیری همه جانبه، مشارکت اجتماعی و داشتن روحیه جمعی و مهارت مورد نیاز جامعه» و «روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی های عام حرفه ای و مهارتی و هنری زمینه ساز

- ۱) توزیع نامناسب رشته‌های کاردانش در کشور
 - ۲) نابسامانی وضعیت اقتصادی و بازار کار
 - ۳) ناهماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای
 - ۴) نبود یک نهاد سیاست‌گذار در سطح ملی و مشخص نبودن چشم‌انداز و مأموریت اصلی تشکیل بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
 - ۵) مناسب نبودن ساختار بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی برای آموزش فنی و حرفه‌ای
 - ۶) مشکل سرمایه‌گذاری در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای
 - ۷) پایین بودن منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گرایش عمومی جوانان برای ورود به دانشگاه
 - ۸) کمبود فرهنگ پژوهش و ارزشیابی
 - ۹) ابهام درباره «مراحل» و «مکان‌ها»ی مناسب برای آموزش فنی و حرفه‌ای
 - ۱۰) رعایت نکردن اصل واقع‌بینی در تدوین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای
 - ۱۱) مستقل بودن کار و تلاش از رفاه شخصی و منزلت اجتماعی
- محمدعلی (۱۳۹۰) در مقاله خود اهم مشکلات و چالش‌های درون‌نهادی و برون‌نهادی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران را این‌گونه فهرست کرده است:
- ۱) ناشناخته بودن نیازهای کیفی بازار کار
 - ۲) کمبود اطلاعات جدید درباره نیروی کار
 - ۳) کمبود مشاوران حاذق و مطلع در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش
 - ۴) کم توجهی به تشکیل سرمایه‌های انسانی
 - ۵) مشارکت غیرفعال بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
 - ۶) نارسایی قوانین و مقررات
- ۷) فراهم نبودن بستر لازم برای افزایش آگاهی‌های حرفه‌ای در آموزش‌های عمومی
 - ۸) عدم دسترسی کامل دانش‌آموزان، به ویژه دختران روستایی، به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
 - ۹) اجرا نشدن کامل سیاست‌های مصوب مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
 - ۱۰) فقدان استانداردهای شغلی و حرفه‌ای
 - ۱۱) نبود سطح هماهنگی مهارتی بین ارائه‌دهندگان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
 - ۱۲) نبود نظام تضمین و کنترل کیفیت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
- از آنجا که شرط معدل برای ورود به هنرستان وجود ندارد، اکثر صندلی‌های هنرستان‌ها را دانش‌آموزانی پر کرده‌اند که از روی ناچاری و اجبار به دلیل سطح نمرات بسیار پایین در سال‌های گذشته و بنیه علمی ضعیف و همچنین بدون علاقه و استعداد انجام کارهای مهارتی وارد هنرستان شده‌اند. از این رو به تدریج در طول سال‌ها، این باور و نگرش در بیشتر دانش‌آموزان و والدین آنان به وجود آمده که هنرستان جای دانش‌آموزان ضعیف است. همین باور به صورت فرهنگ سازمانی در میان مسئولان امر و مدیران مدارس و معلمان ریشه دوانده است، به طوری که به جای اینکه دانش‌آموز قوی اما علاقه‌مند و مستعد به رشته‌های مهارتی را به سوی هنرستان‌ها سوق دهند با والدین آنان هم‌سو می‌شوند و به اجبار آنان را به مدارس متوسطه نظری که مشخص نیست چه آینده شغلی در انتظارش باشد، هدایت می‌کنند. علاوه بر این، حضور تعداد زیاد دانش‌آموزان بی‌علاقه و بی‌انگیزه با بنیه علمی ضعیف، کار معلمان شاغل در هنرستان را دوچندان می‌کند. آن‌ها باید در کنار تدریس با بیان مزایای رشته‌های هنرستان نسبت به دبیرستان، بارقه امید و انگیزه را در هنرجویان به وجود آورند و آنان را به درس و آینده شغلی‌شان علاقه‌مند سازند تا شاهد پیشرفت تحصیلی آنان باشند. مسئله فرهنگی دیگر این است که هنوز هدف اصلی

هر قدر بروندادها با ویژگی ها و مختصات مورد نیاز نظام تقاضا، از نظر کمیت و کیفیت تناسب بیشتری داشته باشد، فرایند گذار از مدرسه به دنیای کار روند مناسب تری خواهد داشت. وضعیت گذشته و حال نظام آموزش و پرورش در ایران نشان می دهد که این نهاد عموماً در برابر فشارهای اجتماعی- سیاسی و تقاضا برای آموزش، منفعلانه عمل می کند. لذا فرایند آموزش و تربیت به گونه ای رقم می خورد که دانش آموختگان و بروندادهای نظام آموزش و پرورش حتی با فرض آنکه درک و فهم درستی از موضوعات و مفاهیم مورد آموزش داشته باشند، قادر نیستند از آموخته های خود در محیط اشتغال و بازار کار بهره بگیرند. کارفرمایان همواره از عملکرد و توانمندی آن ها گله و شکایت دارند، زیرا نقش منفعلانه آموزش و پرورش سبب شده است که برنامه ریزی درسی و آموزشی بر مبنای امکانات موجود و در اختیار آموزش و پرورش طراحی شود و به اجرا در آید. (منبع: همان)

۲-۶- تغییرات محیط اقتصادی - اجتماعی

تغییرات در متغیرهای کلان اقتصادی (مانند نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم یا تولید ناخالص داخلی) از یک طرف و تغییرات سریع در عرصه فناوری از طرف دیگر سبب می شود که نظام کار و اشتغال (تقاضا) ناپایدار شود و کمیت و کیفیت تقاضای نیروی انسانی دائماً در نوسان و تغییر باشد.

۲-۷- چالش های فرهنگی و اقتصادی هنرستان ها

قبل از پرداختن به چالش های موجود و تعیین میزان فاصله وضعیت کنونی هنرستان ها از هدف های کلی خود و به منظور ایجاد دیدگاه وسیع تر در این زمینه، در ادامه به تجزیه و تحلیل هدف های کلی هنرستان ها می پردازیم. (منبع: همان)

تغییرات در متغیرهای کلان اقتصادی از یک طرف و تغییرات سریع در عرصه فناوری از طرف دیگر سبب می شود که نظام

هنرستان که همانا حرفه و مهارت آموزی و کارآفرینی با حداقل مدرک دیپلم و نه لزوماً ورود به دانشگاه و تحصیلات عالیه است، برای برخی کارشناسان و مسئولان جا نیفتاده است (حسن پور، ۱۳۹۷، ۳۵)

۴-۲- ارتباط آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش با توسعه اقتصادی

ارتباط آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش با توسعه را می توان از جنبه های زیر بررسی کرد:

- ۱) تشکیل سرمایه انسانی
- ۲) شتاب دهی به تولید
- ۳) اشتغال و مقابله با بی کاری
- ۴) کارآفرینی
- ۵) کار و حرفه
- ۶) اقتصاد دانش محور (شریف زاده، ۱۳۹۲، ۱۲ و ۱۳).

۵-۲- دوره گذار اقتصادی و علل پدید آمدن مشکلات چالش برانگیز آن

«دوره گذار» به دوره زمانی خروج از مدرسه و نخستین ورود به یک شغل ثابت یا رضایت بخش اطلاق می شود. این دوره زمانی به منزله یک دوره بحرانی و در حال تغییر زندگی اقتصادی و اجتماعی است که گروه سنی ۱۵-۲۴ سال را در بر می گیرد. در این دوره جوانان مهارت های خود را توسعه می دهند تا به کمک آن بتوانند به اعضای مولد جامعه تبدیل شوند (شریعت زاده، ۱۳۹۳: ۱۶).

بر مبنای مفاهیم اقتصادی، گذار دانش آموزان متأثر از تعامل بین نظام آموزشی و نظام کار و اشتغال در کشور است. به عبارت دیگر، بین عرضه و تقاضا تعامل صورت می گیرد. این عوامل به دو دسته کلی تقسیم می شوند (شریعت زاده، ۱۳۹۳: ۱۷ و ۱۸).

۱. نقش منفعلانه نظام آموزشی

- ۳) کمبود مشاوران حاذق و مطلع در هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش؛
- ۴) کم توجهی به تشکیل سرمایه های انسانی؛
- ۵) مشارکت غیرفعال بخش خصوصی در آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۶) نارسایی قوانین و مقررات؛
- ۷) فراهم نبودن بستر لازم برای افزایش آگاهی های حرفه ای در آموزش های عمومی؛
- ۸) عدم دسترسی کامل دانش آموزان، به ویژه دختران روستایی، به آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۹) اجرا نشدن کامل سیاست های مصوب مربوط به آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۱۰) فقدان استانداردهای شغلی و حرفه ای؛
- ۱۱) نبود سطح هماهنگی مهارتی بین ارائه دهندگان آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۱۲) نبود نظام تضمین و کنترل کیفیت در آموزش های فنی و حرفه ای.

شاخه کاردانش از نظر تناسب با نیازها، شرایط و امکانات موجود در کشور از چند منظر با چالش اساسی مواجه است:

- ۱) شفاف نبودن نیازهای کیفی نیروی انسانی در بازار کار کشور؛
- ۲) متناسب نبودن هدف گذاری با شرایط اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه؛
- ۳) نامتناسب بودن هدف گذاری با امکانات جامعه؛
- ۴) نامتناسب بودن هدف گذاری با ساختار اشتغال در بازار کار ایران (شریعت زاده، ۱۳۹۲: ۷ و ۸)

۲-۹- بررسی نحوه آموزش های حرفه ای در کشورهای جهان

آموزش های کاربردی و فنی و حرفه ای، به صورت آموزش های حرفه ای در کشورهای پیشرفته جهان، به صورت های مختلف در حال پیاده سازی است. بررسی نحوه عملکرد

کار و اشتغال (تقاضا) ناپایدار شود و کمیت و کیفیت تقاضای نیروی انسانی دائماً در نوسان و تغییر باشد (منبع: همان)

۸-۲- عوامل بازدارنده تحقق هدف های تأسیس هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش:

- ۱) توزیع نامناسب رشته های کاردانش در کشور؛
- ۲) نابسامانی وضعیت اقتصادی و بازار کار؛
- ۳) ناهماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه های آموزشی فنی و حرفه ای؛
- ۴) نبود یک نهاد سیاست گذار در سطح ملی و مشخص نبودن چشم انداز و مأموریت اصلی تشکیل بخش آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۵) مناسب نبودن ساختار بخش های صنعت، خدمات و کشاورزی برای آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۶) مشکل سرمایه گذاری در بخش آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۷) پایین بودن منزلت اجتماعی آموزش های فنی و حرفه ای و گرایش عمومی جوانان برای ورود به دانشگاه؛

- ۸) کمبود فرهنگ پژوهش و ارزشیابی؛
- ۹) ابهام درباره «مراحل» و «مکان ها»ی مناسب برای آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۱۰) رعایت نکردن اصل واقع بینی در تدوین برنامه های آموزش های فنی و حرفه ای؛
- ۱۱) مستقل بودن کار و تلاش از رفاه شخصی و منزلت اجتماعی (نویدی و محمدی، ۱۳۹۰: ۴۴).

مشکلات و چالش های درون نهادی و برون نهادی آموزش های فنی و حرفه ای در ایران را این گونه فهرست شده است: (محمدعلی، ۱۳۹۰، ۴).

- ۱) ناشناخته بودن نیازهای کیفی بازار کار؛
- ۲) کمبود اطلاعات جدید درباره نیروی کار؛

کشورهایی هستند که بر توسعه جنبه‌های آموزش حرفه‌ای مستحکم و نوآورانه برای تقویت استراتژی‌های آینده خود متمرکز هستند (جونز^۱، ۲۰۱۸). در مورد چین، از زمانی که دولت در سال ۱۹۷۸، انتقال سیستم اقتصادی از یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده به یک اقتصاد بازار محور را ترویج کرد، چین توسعه اقتصادی سریع و رشد اقتصادی عظیمی را تجربه کرده است. دولت چین اصلاحات تدریجی بازار کار را اعمال کرد که در آن دولت بخش عمومی (مانند شرکت‌های دولتی) را حفظ و کنترل می‌کند و همزمان بخش خصوصی (مانند شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های با مالکیت خارجی و بخش خوداشتغالی) را ارتقا می‌دهد (ما^۲، ۲۰۱۸).

۱-۲- نقش سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌های مدیریتی در اشتغال‌زایی آموزش‌های فنی حرفه‌ای

در چرخه خط‌مشی عمومی، تدوین سیاست یکی از مراحل حیاتی است. تدوین سیاست پس از پذیرش مشکل عمومی که نیاز به توجه دولت دارد انجام می‌شود (هولت و موخرجی^۱، ۲۰۱۶). تدوین سیاست را به‌عنوان مرحله سیاست‌گذاری توصیف می‌کنند که در آن گزینه‌های مختلف موجود در نظر گرفته می‌شود و سپس به مجموعه‌هایی تقلیل می‌یابد که می‌تواند توسط بازیگران سیاست مربوطه، به‌ویژه در دولت، باید مورد توافق قرار گیرد و می‌تواند برای پرداختن به مسائل سیاست استفاده شود. تدوین سیاست، همچنین می‌تواند به‌عنوان توسعه جایگزین‌های سیاست برای حل مشکلات در دستور کار عمومی تعریف شود. تدوین سیاست در بوروکراسی‌های دولتی، دفاتر گروه‌های ذینفع، کمیته‌های قانون‌گذاری، جلسات کمیسیون ویژه و سازمان‌های برنامه‌ریزی خط‌مشی‌ها انجام می‌شود که این‌ها به‌عنوان اتاق‌های فکر شناخته

این آموزش‌ها، می‌تواند کمک زیادی به نحوه اجرا و پیاده‌سازی این آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه (مثل ایران) داشته باشد. در آلمان که دارای یک سیستم برجسته دوگانه^۱ با ادغام تمرین مبتنی بر کار و یادگیری مبتنی بر مدرسه در طول دوره کامل مطالعه است، کارفرمایان نقش اصلی را دارند زیرا متعهد به استخدام دانش‌آموزان و ارائه مهارت‌های عملی و آموزش موردنیاز به آن‌ها هستند (نیرانجان^۲، ۲۰۱۸). در همین حال در کشورهای شمال اروپا مانند نروژ، آموزش حرفه‌ای (به‌ویژه دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای^۳) به‌عنوان منابع دانش و شایستگی مهم و مطلوب تلقی می‌شود. در نتیجه، تقاضا برای نیروی کار فارغ‌التحصیل از کالج‌های حرفه‌ای در سیاست‌های صنعتی اخیر نروژ بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است (لوند و کارلسن^۴، ۲۰۲۰). نگرانی در مورد عدم رقابت در بازار کار به بحث‌های سیاسی رسیده است. در نتیجه، تقاضا برای نیروی کار فارغ‌التحصیل از کالج‌های حرفه‌ای در سیاست صنعتی اخیر نروژ بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. (آزار، مارینسکو و استاینباوم^۵، ۲۰۲۰). این امر به‌ویژه در مورد اصلاحات در حمایت از نیروی کار، یعنی حفاظت در برابر اخراج و محدودیت در قراردادهای دوره‌های زمانی خاص، پوشش مزایای بیکاری و شدت سیاست‌های فعال بازار کار نیز صادق است (ایچورست و همکاران^۶، ۲۰۱۷). در همین حال، در بسیاری از کشورهای انگلیسی‌زبان، به‌ویژه در استرالیا و کانادا، بهبود رابطه بین مدارک تحصیلی پس از متوسطه و اشتغال بیشتر، به ساختار بازار کار بستگی دارد تا ماهیت مدارک تحصیلی آن‌ها و درجه اول در موضوع تقاضا بازار از اهمیت بالایی برای سیاست‌گذاری دارد (ویلاهان و مودیبه^۷، ۲۰۱۷). آلمان، کانادا، بریتانیا و اتریش از جمله

^۱Eichhorst, Marx, & Wehner

^۲Wheelahan & Moodie

^۳Jones

^۴Ma

^۵Howlett & Mukherjee

^۱dual VET system(VET: Vocational education and training)

^۲Niranjan

^۳particularly vocational colleges

^۴Lund & Karlsen

^۵Azar, Marinescu, & Steinbaum

عالی فنی و حرفه‌ای جهت‌گیری متفاوتی نسبت به سایر زیرنظام‌های آموزش عالی پیدا کند و بر مهارت محوری و اشتغال‌زایی تمرکز کند. هدف این پژوهش، شناسایی راهکارهای ارتقای کیفیت تدریس در آموزش عالی فنی و حرفه‌ای با رویکرد اشتغال‌زایی بوده است. این مقاله باهدف کاربردی و با روش تحقیق ترکیبی اکتشافی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان بالقوه‌ی پژوهش در بخش کیفی شامل، صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای کشور و کارفرمایان بوده است که با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله برفی تعداد ۱۸ نفر از آن‌ها انتخاب گردیده است. جامعه آماری نیز تمامی مدرسان دانشگاه فنی و حرفه‌ای شریعتی تهران بوده است که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انجام شده است. حجم نمونه تعداد ۲۳۰ نفر بوده است جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است.

فرخی (۱۳۹۷)، جایگاه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در چهارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی را بررسی کرده است. در ابتدا با بررسی مبانی نظری و مفاهیم صلاحیت به تاریخچه نظام صلاحیت حرفه‌ای در جهان، قلمرو و گونه شناسی انواع چهارچوب صلاحیت پرداخته است. روش تحقیق آن توصیفی-اکتشافی، بوده است و همچنین از نوع تحقیقات کاربردی است. داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک علمی و سازمانی مکتوب و اینترنتی جمع‌آوری گردیده شده است. بررسی‌های صورت گرفته با استفاده از تحلیل‌های ثانویه و بر اساس تجربه زیسته و بررسی داده‌ها و اطلاعات دسته‌بندی شده در دو وضعیت موجود و مورد انتظار صورت گرفته است. نمونه آماری آن طبق گفته‌ها شامل ۳۴ منابع معتبر علمی عمدتاً خارجی و اسناد سازمانی بوده است که

می‌شوند (دای^۱، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، اصطلاحات تدوین سیاست با اصطلاح "برنامه‌ریزی سیاست" بیان شده است (نوپفل و همکاران^۲، ۲۰۱۱). علاوه بر این، برنامه‌ریزی سیاست در چارچوبی به نام برنامه سیاسی اداری^۳ ساخته شد. برنامه سیاسی اداری، مجموعه‌ای از اقدامات و هنجارهای نظارتی را نشان می‌دهد که توسط مجلس، دولت و مقامات اجرایی برای اجرای سیاست‌های عمومی ضروری تشخیص داده می‌شود (نوپفل و همکاران، ۲۰۱۱). دو عنصر اصلی در چارچوب برنامه سیاسی اداری وجود دارد: عناصر حقیقی و عناصر نهادی، هر دو عنصر دارای مشتقات مختلف هستند. عناصر حقیقی عبارت‌اند از هسته یا لایه‌های درونی که عبارت‌اند از: (۱) مشخص کردن اهداف (۲) عناصر ارزیابی و (۳) عناصر عملیاتی. در ضمن، عناصر نهادی، پوسته بیرونی هستند که عبارت‌اند از: (۱) ترتیبات سیاسی-اداری (امکانات مالی و سایر منابع) و (۲) عناصر رویه‌ای (نوپفل و همکاران^۴، ۲۰۱۱).

۱۱-۲- پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی

محمدشفیق و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله خود به بررسی ارتقای کیفیت تدریس در آموزش عالی فنی و حرفه‌ای با تأکید بر رویکرد اشتغال‌زایی و مهارت محوری پرداخته است. طبق یافته‌های انجام شده در این مقاله در بخش کیفی استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر فعالیت تجربی، کاربرست دانش نظری در عمل، تدریس در محیط واقعی کار، استفاده از آموزش مبتنی بر کار گروهی، استفاده از تکنسین‌های کارگاهی خبره و تعاملی بودن ارتباط بین استادکاران و دانشجویان از راه‌حلی‌هایی بوده است که بر کیفیت تدریس مؤثر هستند. همچنین، نتایج در بخش کمی مشخص شده است که راهکارهای تبیین شده در بهبود کیفیت تدریس مؤثر می‌باشد. بنابراین، بر اساس نتایج پژوهش، لازم است شیوه‌ی تدریس در آموزش

^۱Political Administrative Program (PAP)

^۲Knoepfel et al

^۱Dye

^۲Knoepfel et al

مقاله به روش اسنادی و تحلیلی از طریق تحلیل منابع و نتایج تحقیقات انجام شده است. روش تحقیق آن کیفی بوده است و از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های بنیادی محسوب می‌شود. نتایج یافته‌ها منجر به ارائه الگویی برای تدوین چارچوب نظری در آموزش فنی و حرفه‌ای شده که دارای ۷ مولفه اصلی شامل فلسفه، اصول و قواعد، سیر تاریخی، عناصر مفهومی، عناصر محیطی، نقاط قوت و ضعف و در نهایت رویکردهای اجرای آموزش فنی و حرفه‌ای بوده است.

رحمان و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، در مقاله خود سیاست در ادغام فارغ‌التحصیلان آموزش حرفه‌ای در بازار کار در اندونزی را تدوین کرده است. هدف این مقاله، تحلیل فرمول سیاست در ادغام فارغ‌التحصیلان آموزش حرفه‌ای با بازار کار در اندونزی بوده است. هدف مورد انتظار این تحقیق بهبود کیفیت تدوین سیاست در آموزش حرفه‌ای و افزایش جذب گسترده فارغ‌التحصیلان آموزش حرفه‌ای به بازار کار در اندونزی بوده است. چارچوب تدوین خط‌مشی با الگوی برنامه سیاسی اداری بوده که از این عناصر تشکیل شده است: در این تحقیق از اهداف ملموس، عناصر ارزیابی، عناصر عملیاتی، ترتیبات سیاسی-اداری و عناصر رویه‌ای استفاده شده است. این پژوهش از روش کیفی با مطالعه پدیدارشناسی استفاده کرده است. نتایج نشان داده است که تدوین سیاست در ادغام فارغ‌التحصیلان آموزش حرفه‌ای با بازار کار در اندونزی کاملاً بهینه نیست. در برخی از نقاط ضعف وجود دارد که به نکات مهمی مربوط می‌شوند، مانند فاصله زیاد بین نسبت پیش‌بینی شده فرصت‌های شغلی در سال با تعداد فارغ‌التحصیلان در آموزش و پرورش حرفه‌ای، عدم ارتباط پیش‌بینی‌ها بین شاخص‌های عملکرد هدف استراتژیک و شاخص‌های عملکرد برنامه در حوزه دوره‌ها و آموزش، پایین آوردن هدف پروژه پیش‌بینی افزایش شاخص‌های عملکرد برنامه در سال تا سال ۲۰۲۴، هم‌افزایی ذینفعان (از جمله در دنیای کار) در برنامه توسعه دبیرستان‌های حرفه‌ای هنوز

به صورت هدفمند بررسی شده‌اند مناسب‌ترین چارچوب صلاحیت حرفه‌ای دارای یک رویکرد جامع و ناشی از چارچوب‌های بخشی با توافق ذینفعان و شرکای اجتماعی مهارت‌آموزی بوده است. همچنین استانداردهای آموزشی سازمان از نظر سطح مهارت دارای توزیع و پراکندگی متناسبی با ترکیب و بافت

مشاغل کشور و در نتیجه چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی نبوده است. علاوه بر آن، ارائه آموزش‌های دولتی و غیردولتی سازمان در مقایسه با جمعیت فعال کشور تناسب سنی نداشته است و متضمن یادگیری مادام‌العمر برای افراد جامعه نبوده است. از این رو، سازمان نیازمند غنی شدن و تقویت استانداردهای آموزشی و تمرکز بیشتر به آموزش شاغلین برای حضور پررنگ‌تر در چارچوب صلاحیت حرفه‌ای می‌باشد و نیازمند استقرار سازوکارهای معادل‌سازی گواهی‌نامه با مدارک رسمی و تجمیع و انتقال اعتبارات آموزشی است.

خلاقی (۱۳۹۲)، در پژوهش خود، الگوی تدوین چارچوب مفهومی در آموزش فنی و حرفه‌ای را بررسی کرده است. یکی از کارهای مهمی که در مطالعات مربوط به تولید سند ملی آموزش و پرورش، به‌ویژه در زمینه اقتصادی-حرفه‌ای مورد توجه قرار گرفته است، ارائه الگو یا یک چارچوب مفهومی می‌باشد. زیرا درک و تبیین مفاهیم کلی مانند آموزش فنی و حرفه‌ای، با پیشینه‌ای بلندمدت، که در چند دهه اخیر تغییرات و تحولات متعددی داشته است، ارائه این چارچوب مفهومی را ضروری کرده است. به همین منظور این مقاله باهدف تهیه و ارائه اصول، مبانی و الگوی نظری آموزش فنی و حرفه‌ای انجام شده است. پرسش اصلی این پژوهش، این است که برای تدوین یک چارچوب مفهومی چه عناصری مهم هستند و چگونه باید آن‌ها را سازمان‌دهی کرد؟ به عبارتی دیگر، تدوین یک چارچوب نظری مطابق با چه الگویی‌هایی است و دارای چه فاکتورهایی است؟ این

^۱Rahman and et al

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران است. روش این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و به روش اکتشافی انجام شده است. و نحوه گردآوری داده‌ها به روش آمیخته (کمی و کیفی) صورت گرفته است و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه با خبرگان با انجام مصاحبه‌های تخصصی به روش دلفی و در بخش کمی نیز از روش تحلیل استنباطی و توصیف داده‌ها و استفاده از تحلیل عاملی، برای تحلیل داده‌های پرسشنامه و ارائه نتایج استفاده خواهد شد.

۲-۳- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در بخش کیفی افراد مورد مصاحبه شامل صاحب نظران دانشگاهی و خبرگان سازمانی در حوزه اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بوده که تعداد ۲۲ نفر از آن‌ها برای نمونه انتخاب شدند و برای انتخاب آنها از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در بخش کمی، نمونه‌گیری از طریق توزیع متوالی پرسشنامه محقق‌ساخته و جمع‌آوری و بازنگری و اصلاح آن انجام گرفته است. لذا در بخش کمی، پرسشنامه باید بین کلیه مدیران، معاونین، معلمان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای است که در سال ۱۴۰۲ اشتغال دارند توزیع شود. جامعه آماری در این پژوهش عبارتست از کلیه کلیه مدیران، معاونین، معلمان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای است که در سال ۱۴۰۲ در استان تهران اشتغال دارند که تعداد آنها ۳،۲۷۰ نفر است. جهت محاسبه حجم نمونه از یکی از پر کاربردترین روش‌ها یعنی فرمول کوکران^۲ استفاده شد. لذا بر همین اساس، حجم نمونه به تعداد ۳۴۴ نفر از روسا و معاونان آموزشی در هنرستان‌های شهر تهران، در این پژوهش همکاری کردند.

۳-۳- ابزار جمع‌آوری داده‌ها

وجود ندارد و شکنندگی مفهوم استخدام در قانون جمهوری اندونزی از جمله موارد مهم در این پژوهش بوده است.

هوبدن و استاسنی^۱ (۲۰۲۱)، در این مطالعه موفقیت بازار کار فارغ‌التحصیلان آموزش حرفه‌ای اولیه را از طریق مطالعه تطبیقی سه نظام آموزشی در اروپای مرکزی بررسی کرده است. این مقاله به مقایسه برنامه‌های داخلی آموزش حرفه‌ای و آموزش اولیه در سه کشور اتریش، جمهوری چک و آلمان و نتایج آن‌ها پرداخته است. به‌طور خاص، هدف آن تجزیه و تحلیل و مقایسه موفقیت بازار کار فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف در مراحل اولیه و بعدی حرفه خود بوده است. یک شاخص چندبعدی ترکیبی برای اندازه‌گیری موفقیت بازار کار ساخته شده است و متعاقباً به عنوان یک متغیر وابسته در مدل‌های رگرسیون استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد که در سیستم‌های دارای آموزش حرفه‌ای و آموزش اولیه دوگانه در سطح ۳ ISCED (آلمان و اتریش)، فارغ‌التحصیلان در واقع در بازار نیروی کار موفق‌تر از هم‌تایان خود با سایر مسیرهای ۳ ISCED بوده‌اند. با این حال، مزیت آن‌ها در مراحل بعدی حرفه کاهش می‌یابد. علاوه بر این، در اتریش، موفقیت فارغ‌التحصیلان جوان با تحصیلات دوگانه توسط ویژگی‌های فردی واسطه می‌شود. در سیستمی که فقط آموزش حرفه‌ای و آموزش اولیه مبتنی بر مدرسه (جمهوری چک) دارد، این مسیر موفقیت قابل توجهی در بازار نیروی کار را برای فارغ‌التحصیلان جوان در مقایسه با سایر رشته‌های ۳ ISCED و همچنین افرادی با تحصیلات پایین‌تر تضمین نمی‌کند. کارآموزان چک در مراحل بعدی شغلی حتی کمتر از آن‌هایی که تحصیلات زیر ۳ ISCED دارند، موفق شده‌اند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱- روش پژوهش

^۲ Cochran formula

^۱ Hoidn & Vit Šťastný

تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده، در بخش کیفی با استفاده از نرم افزار MAXQDA و در بخش کمی به دو روش توصیفی و استنباطی از طریق نرم افزار SPSS ۱۶ و Smart PLS انجام می شود. در این تحقیق برای توصیف داده ها از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی، جدول توزیع فراوانی، ترسیم نمودارها و همچنین توصیف ویژگی های پاسخ دهندگان به پرسشنامه استفاده می گردد. و در تحلیل استنباطی به روش تحلیل عاملی، به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته خواهد شد.

۴. تجزیه و تحلیل داده ها

۴-۱- بخش اول - تجزیه و تحلیل بخش کیفی

۴-۱-۱- توصیف آماری مصاحبه با خبرگان و صاحب نظران در بخش کیفی

برای جمع آوری داده های بخش کیفی ۲۲ نفر از خبرگان، متخصصین و افراد آگاه در تکنیک دلفی مشارکت کردند. نتایج جمع بندی مصاحبه، در ذیل آمده است:

کد کلیه بخش ها (کلیه مدارک^۱)

	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر
آموزش و یادگیری	۳۳	۱۷,۱۰	۱۷,۱۰
مالی و فیزیکی	۳۵	۱۸,۱۳	۱۸,۱۳
علمی و نوآوری	۲۵	۱۲,۹۵	۱۲,۹۵
منابع انسانی	۲۲	۱۱,۴۰	۱۱,۴۰
مدیریت و ارزیابی	۲۱	۱۰,۸۸	۱۰,۸۸
تربیت اقتصادی و اجتماعی	۱۹	۹,۸۴	۹,۸۴
مشاوره تحصیلی	۱۸	۹,۳۳	۹,۳۳
پرورش جسمی، روحی و روانی	۲۰	۱۰,۳۶	۱۰,۳۶
کل داده ها (معتبر)	۱۹۳	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۰۰
داده های گم شده	۰	۰,۰۰	-
جمع کل داده ها	۱۹۳	۱۰۰,۰۰	-

در این پژوهش برای جمع آوری داده های مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش های کتابخانه ای (مطالعه ی کتاب ها، مقالات، مجلات، طرح های پژوهشی و بانک های اطلاعاتی (اینترنتی) و همچنین دو پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.

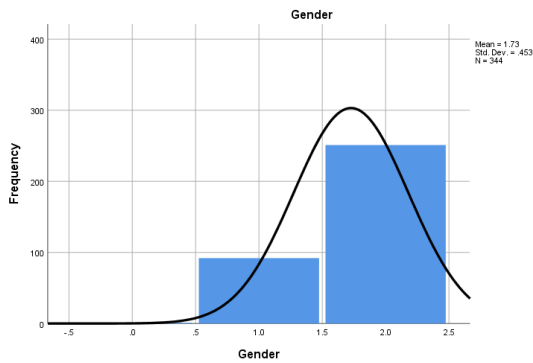
۳-۴- روایی و پایایی ابزار گردآوری داده ها

پایایی و روایی مصاحبه: برای حصول اطمینان از روایی ابزار در بخش کیفی پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات ارزشمند اساتید آشنا با این حوزه و متخصصان سازمانی که در این حوزه خبره و مطلع هستند، استفاده شد. هم چنین به طور هم زمان از مشارکت کنندگان در تحلیل و تفسیر داده ها کمک گرفته شد. هم چنین در پایایی مصاحبه شونده، به چگونگی هدایت سؤالات اشاره می شود. پایایی و روایی پرسشنامه: از آن جا که محتوای پرسشنامه، مولفه هایی را نشان می دهد که دارای بالاترین ضریب اهمیت می باشند، با توجه به تایید سؤالات توسط خبرگان، روایی محتوای پرسشنامه مورد تایید قرار گرفته است. پایایی پرسشنامه: در ابتدا جهت انجام آزمون های آماری، جهت تایید قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه کرونیخ آلفا محاسبه شده است. کرونیخ آلفا برای سنجش میزان تک بعدی بودن نگرش ها، قضاوتها و سایر مقولاتی که اندازه گیری آنها آسان نیست به کار می رود. هر قدر همبستگی مثبت بین سؤالات بیشتر شود، میزان کرونیخ آلفا بیشتر خواهد شد و بالعکس هر قدر واریانس میانگین سؤالات بیشتر شود آلفای کرونیخ کاهش پیدا خواهد کرد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که ضریب آلفای کل پرسشنامه ۰/۹۸ می باشد که ابزار استفاده شده از پایایی مطلوبی برخوردار است.

۳-۵- روش تجزیه و تحلیل داده ها

^۱ Cod. seg. (all documents)

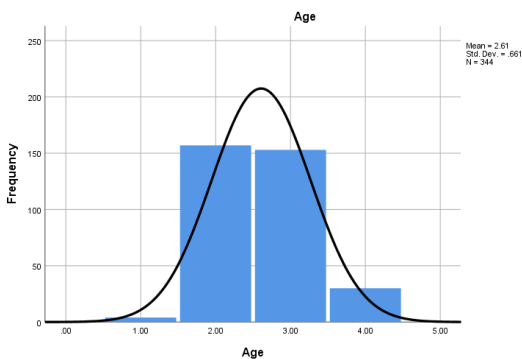
درصد پاسخگویان (۹۲ نفر) پاسخ دهندگان مرد و ۷۳ درصد پاسخگویان (۲۵۱ نفر) پاسخ دهندگان زن هستند؛ بنابراین پاسخ دهندگان زن فراوانی بیشتری در این پژوهش دارند. جداول و شکل های زیر نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخ دهندگان بر حسب جنسیت است.



نمودار ۱- توزیع فراوانی نمونه بر حسب جنسیت پاسخ دهندگان

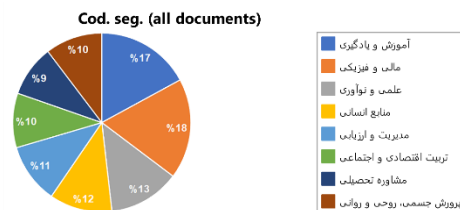
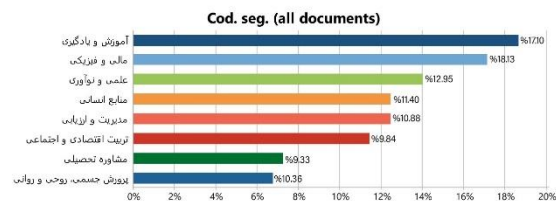
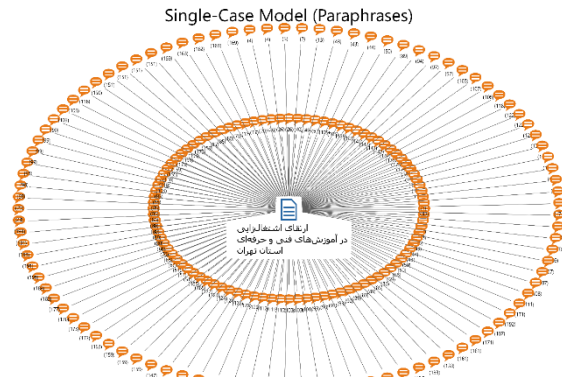
سن

بررسی انجام شده در زمینه سن پاسخ دهندگان منتخب در نمونه نشان می دهد: ۱،۲ درصد سن پاسخ دهندگان (۴ نفر) بین ۲۰-۳۰ سال، ۴۵،۶ درصد سن پاسخ دهندگان (۱۵۷ نفر) بین ۳۱-۴۰ سال، ۴۴،۵ درصد سن پاسخ دهندگان (۱۵۳ نفر) بین ۴۱-۵۰ سال و ۸،۷ درصد سن پاسخ دهندگان (۳۰ نفر) ۵۰ سال به بالا می باشد. جداول و شکل های زیر نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخ دهندگان بر حسب سن است.



نمودار ۲- توزیع فراوانی نمونه بر حسب سن پاسخ دهندگان

سطح تحصیلات



در نهایت بر اساس نظر صاحب نظران و خبرگان مولفه های: مولفه مالی و فیزیکی، مولفه منابع انسانی، مولفه آموزش و یادگیری، مولفه علمی و نوآوری، مولفه تربیت اقتصادی و اجتماعی، مولفه مدیریت و ارزیابی، مولفه مشاوره تحصیلی، و در نهایت مولفه پرورش جسمی، روحی و روانی؛ به عنوان مولفه ها و شاخص های ارائه مدل ارتقای اشتغالزایی در آموزش های فنی و حرفه ای استان تهران؛ جهت ارزیابی در بخش کمی، مورد تأیید قرار گرفت.

۴-۲-۴ بخش دوم - تجزیه و تحلیل بخش کمی

۴-۲-۴-۱- توصیف داده ها

تعداد آزمودنی در این تحقیق شامل ۳۰۵ نفر بوده است که ویژگی های جمعیت شناختی آنها به صورت زیر می باشد:

جنسیت

بررسی انجام شده در زمینه جنسیت پاسخ دهندگان منتخب در نمونه نشان می دهد: ۰،۳ درصد (یک نفر) نامشخص؛ ۲۶،۷

نمودار ۴- توزیع فراوانی نمونه برحسب سابقه خدمت

۴-۲-۲- تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها

جهت بررسی و تعیین مدلی مناسب برای ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران؛ از روش تحلیل عاملی استفاده شد. در ادامه مدل تحلیل عاملی شاخص‌های ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران؛ را ملاحظه می‌فرمائید. اگر بار عاملی کمتر از ۰.۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰.۳ تا ۰.۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰.۶ باشد خیلی مطلوب است. (کلاچین، ۱۹۹۴).

نمودار ۶- مدل تحلیل عاملی شاخص‌های ارتقای اشتغال‌زایی در



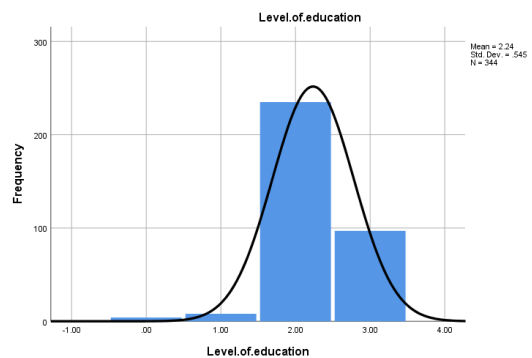
در حال حاضر کلیه مولفه‌ها، با بار عاملی بالای ۰.۶، نشان دهنده این است که مدل «خیلی مطلوب» است. در ادامه، بار عاملی مدل به تفکیک مولفه‌ها در جدول ذیل آمده است:

جدول ۳۶- معناداری بارهای عاملی و ضریب مسیر مولفه‌های نظام آموزشی جهت توسعه نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان هنرستان‌های

شهر تهران

ردیف	مولفه	بار عاملی	ضریب مسیر
۱	مولفه مالی و فیزیکی	۰,۵۶۱	۰,۷۴۹
۲	مولفه منابع انسانی	۰,۸۶۱	۰,۹۲۸
۳	مولفه آموزش و یادگیری	۰,۸۶۲	۰,۹۲۸
۴	مولفه علمی و نوآوری	۰,۹۰۹	۰,۹۵۴
۵	مولفه تربیت اقتصادی و اجتماعی	۰,۸۹۸	۰,۹۴۸

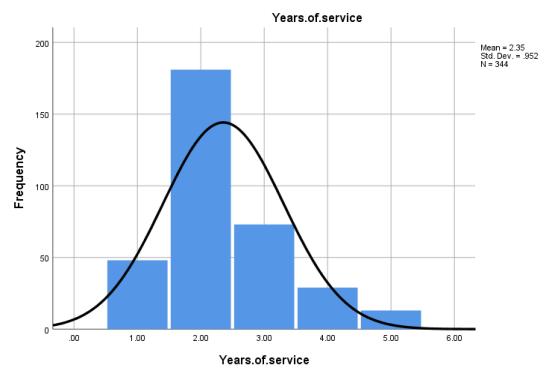
بررسی انجام شده در زمینه میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان منتخب در نمونه نشان می‌دهد: ۱,۲ درصد پاسخ‌دهندگان (۴ نفر) دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۶۸,۳ درصد پاسخ‌دهندگان (۲۳۵ نفر) دارای تحصیلات لیسانس، ۲۸,۲ درصد پاسخ‌دهندگان (۹۷ نفر) دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و ۲,۳ درصد پاسخ‌دهندگان (۸ نفر) دارای تحصیلات دکتری، می‌باشند. جداول و شکل‌های زیر نشان‌دهنده توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان برحسب میزان تحصیلات است.



نمودار ۴- توزیع فراوانی نمونه برحسب سطح تحصیلات

سابقه خدمت

بررسی انجام شده در زمینه سابقه خدمت پاسخ‌دهندگان منتخب در نمونه نشان می‌دهد: ۱۴ درصد پاسخ‌دهندگان (۴۸ نفر) زیر ۵ سال، ۵۲,۶ درصد پاسخ‌دهندگان (۱۸۱ نفر) بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۱,۲ درصد پاسخ‌دهندگان (۷۳ نفر) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۸,۴ درصد پاسخ‌دهندگان (۲۹ نفر) بین ۱۶ تا ۲۰ سال، و ۳,۸ درصد پاسخ‌دهندگان (۱۳ نفر) ۲۱ سال به بالا، سابقه خدمت دارند. جداول و شکل‌های زیر نشان‌دهنده توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان برحسب سابقه خدمت است.

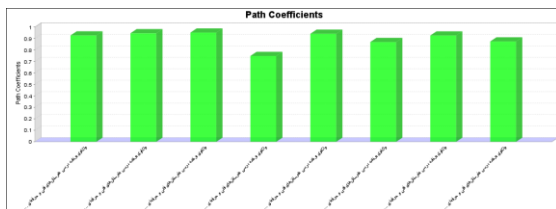


اولویت	مؤلفه	بارعاملی
اول	مؤلفه علمی و نوآوری	۰,۹۰۹
دوم	مؤلفه تربیت اقتصادی و اجتماعی	۰,۸۹۸
سوم	مؤلفه مدیریت و ارزیابی	۰,۸۹۰
چهارم	مؤلفه آموزش و یادگیری	۰,۸۶۲
پنجم	مؤلفه منابع انسانی	۰,۸۶۱
ششم	مؤلفه پرورش جسمی، روحی و روانی	۰,۷۶۷
هفتم	مؤلفه مشاوره تحصیلی	۰,۷۵۹
هشتم	مؤلفه مالی و فیزیکی	۰,۵۶۱

جدول ۳۸- ضریب مسیر خروجی تحلیل عاملی

ردیف	مسیر	ضریب مسیر
۱	مؤلفه علمی و نوآوری >>> مؤلفه تربیت اقتصادی و اجتماعی	۰,۹۵۴
۲	مؤلفه تربیت اقتصادی و اجتماعی >>> مؤلفه مدیریت و ارزیابی	۰,۹۴۸
۳	مؤلفه مدیریت و ارزیابی >>> مؤلفه منابع انسانی	۰,۹۴۳
۴	مؤلفه منابع انسانی >>> مؤلفه آموزش و یادگیری	۰,۹۲۸
۵	مؤلفه آموزش و یادگیری >>> مؤلفه پرورش جسمی، روحی و روانی	۰,۹۲۸
۶	مؤلفه پرورش جسمی، روحی و روانی >>> مؤلفه مشاوره تحصیلی	۰,۸۷۶
۷	مؤلفه مشاوره تحصیلی >>> مؤلفه مالی و فیزیکی	۰,۸۷۱
۸	مؤلفه مالی و فیزیکی	۰,۷۴۹

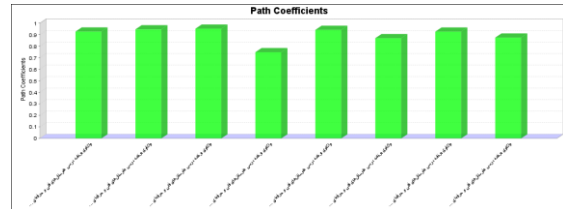
نمودار ۷- ضریب مسیر خروجی تحلیل عاملی



در نهایت با توجه به مدل تحلیل عاملی شاخص های ارتقای اشتغال زایی در آموزش های فنی و حرفه ای استان تهران، در نمودار فوق، «مدل ارتقای اشتغال زایی در آموزش های فنی و حرفه ای استان تهران»، به شرح ذیل ارائه می گردد:

۶	مؤلفه مدیریت و ارزیابی	۰,۸۹۰	۰,۹۴۳
۷	مؤلفه مشاوره تحصیلی	۰,۷۵۹	۰,۸۷۱
۸	مؤلفه پرورش جسمی، روحی و روانی	۰,۷۶۷	۰,۸۷۶

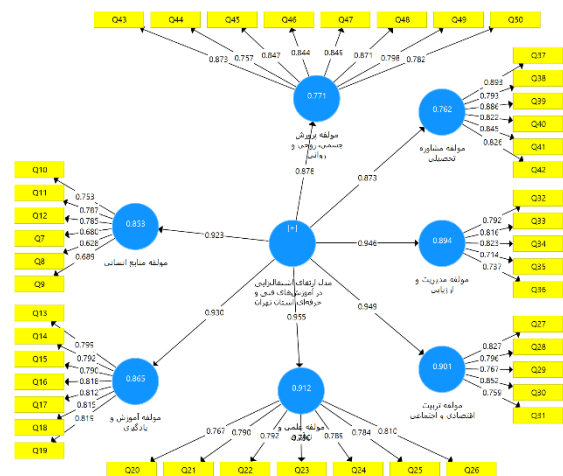
نمودار ۷- ضریب مسیر خروجی تحلیل عاملی



جدول ۳۹- اولویت مؤلفه ها بر اساس بارعاملی هر مؤلفه

همانگونه که در مدل تحلیل عاملی اکتشافی ملاحظه شد، از مؤلفه هایی که معرف شاخص های تعیین مدل ارتقای اشتغال زایی در آموزش های فنی و حرفه ای استان تهران بود، به دلیل آنکه هیچ یک از مؤلفه ها بارعاملی کمتر از ۰,۳ به نداشت، از روند تحلیل عاملی حذف نگردیدند و با توجه به اینکه کلیه گویه های باقیمانده بزرگتر از ۰/۶ بود، مدل «خیلی مطلوب» است. در ادامه محقق با حذف مرحله ای مؤلفه های با بارهای عاملی ۰,۸ و کمتر، به دنبال رتبه بندی مجدد شاخص ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی می باشد. نتایج را در نمودارهای ذیل ملاحظه می فرمائید.

نمودار ۸- مدل تحلیل عاملی (تأییدی مرحله اول) شاخص های مدل ارتقای اشتغال زایی در آموزش های فنی و حرفه ای استان تهران، با حذف بارهای عاملی ۰/۸ و کمتر

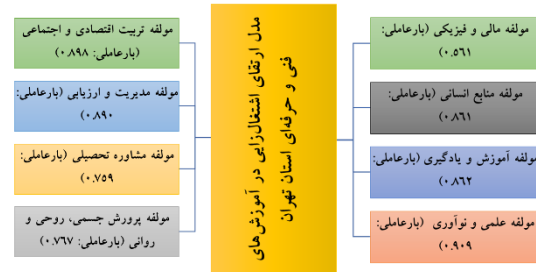


جدول ۴۰- مدل تحلیل عاملی تأییدی مرحله اول، بارعاملی، ضریب مسیر و اولویت مؤلفه ها بر اساس بارعاملی هر مؤلفه

شاخص	RMR	NFI	CFI	GFI	AGFI
مدیریت و ارزیابی	۰,۰۳۹	۰,۹۴	۰,۹۶	۰,۹۳	۰,۹۹
مشاوره تحصیلی	۰,۰۶۳	۰,۹۶	۰,۹۹	۰,۹۳	۰,۹۵
پرورش جسمی، روحی و روانی	۰,۰۵۵	۰,۹۴	۰,۹۸	۰,۹۳	۰,۹۶

شکل ۶- مدل نظام آموزشی جهت توسعه نگرش کارآفرینانه

دانش آموزان هنرستان‌های شهر تهران



همانگونه که ملاحظه شد RMSEA، RMR، NFI، CFI و در نهایت AGFI محاسبه شده برای کل مدل، نشان از برازش مدل دارد. در پایان لازم به توضیح است که مقدار $RMSEA^1$ و RMR^2 کمتر از $0,1$ و GFI^3 و $AGFI^4$ بالای $0,9$ و نزدیک به یک، همگی نشان‌دهنده اعتبار مدل هستند. همه این شاخص‌ها از مقادیر مطلوبی برخوردارند. در الگوی حاضر مؤلفه‌های الگوی ارائه مدل ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران؛ (مؤلفه مالی و فیزیکی، مؤلفه منابع انسانی، مؤلفه آموزش و یادگیری، مؤلفه علمی و نوآوری، مؤلفه تربیت اقتصادی و اجتماعی، مؤلفه مدیریت و ارزیابی، مؤلفه مشاوره تحصیلی، و در نهایت مؤلفه پرورش جسمی، روحی و روانی)؛ به عنوان متغیرهای مشاهده شده ۱ و متغیر ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ به عنوان متغیر مکنون ۲ در نظر گرفته شده است. شاخص‌های برازش الگو در تحلیل عاملی، برازش الگو را تأیید می‌نمایند.

۵. بحث و تفسیر

آموزش کارآفرینی انواع مختلفی از مخاطبان، اهداف، محتوای و روش‌های آموزش را پوشش می‌دهد (گارتر و سپر، ۱۹۹۴، ۱۲). امروز مشکل مهم و غیرقابل انکاری که در کشور می‌بینیم بیکاری جوانان است و اینکه جوانان با به پایان رسیدن تحصیلات دانشگاهی انتظار دارند که جذب

جدول ۱۸- شاخص‌های برازش الگو

شاخص	Chi (X ²)	df	RMSEA
دامنه قابل قبول	-	-	$\leq 0,080$
مالی و فیزیکی	۸,۶۷	۲۹	۰,۰۶۸
منابع انسانی	۱۰,۳۶۷	۳۷	۰,۱۲۷
آموزش و یادگیری	۳,۳۱۴	۱۹	۰,۰۴۳
علمی و نوآوری	۳,۹۸۷	۱۳	۰,۱۰۳
تربیت اقتصادی و اجتماعی	۲,۳۳۸	۳۷	۰,۰۵۲
مدیریت و ارزیابی	۲,۵۱۸	۲۸	۰,۰۵۸
مشاوره تحصیلی	۸,۹۱۳	۳۳	۰,۱۱۷
پرورش جسمی، روحی و روانی	۰,۵۳۱	۱۷	۰,۰۹۳

شاخص	RMR	NFI	CFI	GFI	AGFI
دامنه قابل قبول	$\leq 0,080$	نزدیک ۱	نزدیک ۱	نزدیک ۱	نزدیک ۱
مالی و فیزیکی	۰,۰۴۹	۰,۹۷	۰,۹۵	۰,۹۳	۰,۹۵
منابع انسانی	۰,۰۷۳	۰,۹۳	۰,۹۳	۰,۹۹	۰,۹۳
آموزش و یادگیری	۰,۰۴۹	۰,۹۷	۰,۹۳	۰,۹۵	۰,۹۸
علمی و نوآوری	۰,۰۶۵	۰,۹۳	۰,۹۵	۰,۹۷	۰,۹۳
تربیت اقتصادی و اجتماعی	۰,۰۵۷	۰,۹۹	۰,۹۳	۰,۹۸	۰,۹۵

^۳ Goodness of Fit Index

^۴ Adjusted Goodness of Fit Index

^۱ Root Mean Square Error of Approximation

^۲ Root Mean Square Residual

اقتصادی کشور و نیز به دلیل آموزش و ایجاد مهارتهای لازم در افراد برای توانایی در احراز مشاغل، نقش به سزایی در اشتغال دارد. این آموزش‌ها هم مهارتهای خاص مورد نیاز صنعت و هم مهارتهای عمومی بازار کار را فراهم می‌سازد و همچنین برای شاغلینی که به دلیل تغییرات تکنولوژی دچار کاهش کارایی می‌شوند امکان به روز شدن و تکمیل مهارت را فراهم می‌کند. لذا به این نوع آموزش‌ها به عنوان ابزاری برای مقابله با بیکاری بالاخص بیکاری ساختاری که ناشی از تغییرات در اقتصاد جهانی می‌باشد، نگریده می‌شود. در واقع خصیصه این آموزش‌ها، نوعی پرورش کارآفرینی است، به این معنی که افراد پس از کسب مهارت و تخصص دانش فنی، قادر خواهند بود که فرصت‌های شغلی مناسبی را به دست آورند و یا در نهایت فرصت شغلی ایجاد نمایند. یکی از اهداف آموزشی کارآفرینی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بهبود توانایی‌های فردی و تخصصی مهارت‌آموزان است. آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند از طریق دانش‌افزایی، باعث افزایش فرصت‌های بازار شده و سطح تقاضای کارآفرینی را ارتقاء بخشد. با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، از جمع‌بندی مطالعات و پژوهش‌های پیشین و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات و نیز بررسی عوامل و مولفه‌های موثر، از جمله سازوکارهای مناسب برای الگوی ارائه مدل ارتقای اشتغال‌زایی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای استان تهران؛ را بر اساس مولفه‌های تأیید شده در الگو، می‌توان چنین برشمرد:

مولفه مالی و فیزیکی

- تامین کیفیت فضای فیزیکی تحصیلی و فضای استاندارد کارگاهی
- تأمین تجهیزات آموزشی کافی و مطابق با استانداردهای جهانی و متناسب با هر رشته فنی
- ایجاد کارگاه‌های تخصصی

سازمانی شوند و در این سازمان مشغول به کار شوند که با افزایش جمعیت چنین انتظاری برآورده نمی‌شود این مسئله نیاز به ابداع و خلاقیت در تمامی حوزه‌های کسب و کار، کارآفرینی را به یک ضرورت جهانی بدل نموده، در این راستای نظام آموزش و پرورش کلیدی‌ترین نقش را داراست. یکی از چالش‌های پیش روی جوامع مختلف، دانش‌آموختگانی هستند که توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم را برای راه‌اندازی کسب و کار مناسب ندارند. ایجاد نگرش کارآفرینانه در افراد شرط لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه از سوی آنان است. کارآفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یک سو به شناسایی و بهره‌برداری موثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می‌شود و از سوی دیگر، موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی و یادگیری می‌گردد و این فرآیند با تکیه به دو محور آموزش فراگیر کارآفرین و فراهم آوردن زمینه‌های بروز و ظهور آن محقق می‌گردد (مرادی، ۱۳۸۲، ۲۹). لذا محقق پس از انجام پژوهش به این سوالات پاسخ داده و دغدغه خود را که در بیان مسئله به آن اشاره کرد را از نتایج تحقیق، مرتفع کرد. در ادامه می‌توان گفت نتایج تحقیقات فرخی (۱۳۹۷)، خلاق (۱۳۹۲)، گلپایگانی و همکاران (۱۳۹۲)، هرلامبرگ و همکاران (۲۰۲۱)، آندیما و ماناسی (۲۰۲۱)، گروسمنز و کوپیر (۲۰۲۱)، نه تنها با نتایج تحقیقات پژوهشگر همراستا و همسو می‌باشد بلکه نتایج تحقیقات پژوهشگر جامع‌تر و گسترده‌تر می‌باشد.

۶. ساز و کارهای مناسب و پیشنهادات مبتنی بر

یافته‌ها

همانگونه که در بیان مسئله نیز بیان شد، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف انتقال مهارت‌های مختلف به فراگیران و نیز اشتغال فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها از طریق مزد بگیری و خوداشتغالی توسط سازمان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پیگیری می‌شود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به سبب انعطاف‌پذیری نشأت گرفته از خصیصه‌های بازار کار و اوضاع

مؤلفه منابع انسانی

- برنامه‌ریزی برای ارزشیابی تحصیلی فرایندمدار و نتیجه‌محور

مؤلفه مشاوره تحصیلی

- ارائه خدمات راهنمایی و مشاوره
- انطباق ویژگی‌های شخصیتی با رشته تحصیلی
- توجه به تفاوت‌های فردی و خانوادگی هنرجویان

مؤلفه پرورش جسمی، روحی و روانی

- برنامه‌ریزی برای کسب مهارت‌های زندگی و هنردرمانی و نشاط آفرینی
- برنامه‌ریزی برای رشد سرمایه روانشناختی (خودکارآمدی، امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی)
- برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح سلامت جسمانی و روانی هنرجویان

۷. پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- پژوهشی مشابه در سایر سازمان‌های آموزشی و یا در صنایع دیگر انجام شود و نتایج حاضر مقایسه شود.
- متغیرهایی مانند فناوری اطلاعات آموزشی و سیستم مدیریت دانش در هنرستان‌های شهر تهران نیز مورد بررسی قرار گیرند.
- پژوهشی با هدف تعیین زیرساخت‌های موردنیاز برای اجرای الگوی پیشنهادی انجام گیرد.
- پژوهشی با هدف پیاده‌سازی و ارزشیابی الگوی پیشنهادی انجام پذیرد و موانع پیش رو مورد تحلیل قرار گیرد.

- برنامه‌ریزی برای جذب منابع انسانی کارآمد و متخصص

- توانمندسازی نیروی انسانی
- برنامه‌ریزی برای فراگیری خودکارآمدی در تصمیم‌گیری شغلی

مؤلفه آموزش و یادگیری

- برنامه‌ریزی برای ارتقاء روش‌های تدریس فراشناختی (پرورش مهارت تفکر و اندیشیدن در هنرجویان و نیز مهارت به کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های مختلف)
- برنامه‌ریزی برای آموزش به روش تلفیقی
- برنامه‌ریزی برای ارتباط سازنده با عوامل مؤثر بر یادگیری و ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری

مؤلفه علمی و نوآوری

- برنامه‌ریزی برای تناسب رشته‌های هنرستانی با پیشرفت صنعت و نیاز جامعه با انجام نیازسنجی
- به روز رسانی محتوای آموزشی و ایجاد ارتباطات بین رشته‌ای و چند سواد
- برنامه‌ریزی برای تحول و نوآوری

مؤلفه تربیت اقتصادی و اجتماعی

- بسترسازی فرهنگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به جایگاه مهارت‌آموزی
- برنامه‌ریزی برای کارآفرینی و ایجاد کسب و کار
- برنامه‌ریزی برای ارتقاء روحیه استقلال‌طلبی به عنوان پتانسیل کارآفرینی

مؤلفه مدیریت و ارزیابی

- راهبرد ارزیابی از عملکرد ارکان مدرسه

منابع

خنیفر، حسین و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی رابطه یویژگی های شخصیتی کارآفرینانه با صفات اخلاقی اسلامی، نشریه علمی توسعه کارآفرینی، سال پنجم، جلد چهارم ۱۳۹۱ زمستان، ۶۶-۴۷.

زهرا آراستی، سمیرا قدوسی، افسانه باقری (۱۳۹۵)، تاثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش کارآفرینانه دانش آموزان مقطع ابتدایی؛ توسعه کارآفرینی؛ دوره ۹، شماره ۴ - شماره پیاپی ۳۴؛ زمستان ۱۳۹۵؛ صفحه ۵۹۳-۶۱۲

علی حسن عزیزپوریان، مریم اسلام پناه، محمد جواد کرم افروز، فرامرز ملکیان، الهام کاویانی، (۱۳۹۸)، شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های نظام آموزش کارآفرینی در هنرستان های فنی و حرفه ای، مجله تحقیقات مدیریت آموزشی؛ دوره ۱۰، شماره ۴۰ - شماره پیاپی ۴۰، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۲۳-۱۴۴

علی میری، مصطفی و عربیون، ابولقاسم ولاری امیر. (۱۳۹۰)، شماره ۱۳۶ ماهنامه کار و جامعه.

علی میری، مصطفی (۱۳۸۷) آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش ها، چالش ها توسعه کارآفرینی، ۱(۱)، ۱۳۳-۱۶۹.

فروش اعلامی، ۱۳۹۹، کارآفرینی آموزشی چیست؟، ترجمه: صندوق سرمایه گذاری نیواسکولز، نوشته کیم اسمیت و جولی لاندری پترسن، عضو هیأت علمی دانشگاه شهیدبهبشتی، ۳ اسفند ۱۳۹۹،

قلی پور، رحمت اله و آقاجانی، حسنعلی و کرامتی محمدعلی (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر تشخیص فرصت های کارآفرینانه در حوزه فناوری اطلاعات، فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره ۳.

محمد عزیزی، نگار مختاری (۱۳۹۶)، آموزش کارآفرینی برای داشتن، انجام دادن و بودن در دوره ابتدایی با رویکرد

خلاق، ۱۳۹۲، الگوی تدوین چارچوب مفهومی در آموزش فنی و حرفه ای، نشریه علمی-پژوهشی، نوآوری های آموزشی، سال ۱۳، شماره ۵۰.

فرخی، ۱۳۹۷، جایگاه سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور در چهارچوب صلاحیت حرفه ای ملی، فصلنامه مهارت آموزی، سال هفتم، شماره بیست و شش، زمستان ۱۳۹۷.

محبوبه محمدشفیعی، محمدرضا نیستانی، ابراهیم میرشاه جعفری، ویدا تقوائی، ۱۳۹۹، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره دوازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، پیاپی ۷۹، صفحه های ۴۶-۲۳.

احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، سید محمد. (۱۳۸۸)، مبانی کارآفرینی، چاپ هفتم، نشر حریر، تهران.

احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۲)، تعاریف، نظریات، الگوها کارآفرینی، انتشارات امیرکبیر تهران.

تقی زاده، محسن؛ نیستانی، محمدرضا؛ شریفیان، فریدون؛ (۱۳۹۷)، واکاوی پدագوژی مبتنی بر عمل و تعیین چهارچوب برنامه درسی آن در آموزش عالی؛ پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت (مطالعات تربیتی و روان شناسی مشهد)؛ بهار و تابستان ۱۳۹۷، دوره ۸، شماره ۱ (پیاپی ۱۵)؛ از صفحه ۱۱۶ تا صفحه ۱۳۵.

جعفری مقدم، سعید و فخارزاده، آرزو سادات. (۱۳۸۹)، توسعه کتاب نگرش کارآفرینانه در کتاب های درسی، نشریه توسعه کارآفرینی.

حامد، بیتا (۱۳۸۸)، عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش جوانان به کار (مطالعه موردی: جوانان، ص ۱۸-۲۶ کرمانشاه)، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، ص ۷۷-۹۷

- https://www.apo-tokyo.org/publications/ebooks_category/2020/
- Azar, J., Marinescu, I., & Steinbaum, M. (2020). Labor Market Concentration. *Journal of Human Resources*, 1218-9914R1. <https://doi.org/10.3338/jhr.monopsony.1218-9914r1>.
- Annen, S. 2019. "Measuring Labour Market Success: A Comparison between Immigrants and Native-Born Canadians Using PIAAC." *Journal of Vocational Education & Training* 71 (2): 218-238. doi: 10.1080/133636820.2018.1473469.
- Andiema, Nelly and Echaune Manasi, 2021. Female Students Participation in Technical Vocational Education and Training in West Pokot County, Kenya, *East African Journal of Education Studies eajes.eanso.org* Volume 3, Issue 1, 2021 Print ISSN: 2707-3939 | Online ISSN: 2707-3947 Title DOI: <https://doi.org/10.37284/2707-3947>.
- Arntz, M., T. Gregory, and U. Zierahn 2016. "The Risk of Automation for Jobs in OECD Countries: A Comparative Analysis." *OECD Social, Employment and Migration Working Papers*, No. 189. Paris: OECD Publishing.
- Azar, J., Marinescu, I., & Steinbaum, M. (2020). Labor Market Concentration. *Journal of Human Resources*, 1218-9914R1. <https://doi.org/10.3338/jhr.monopsony.1218-9914r1>
- Bappenas. (2019a). RPJMN 2020-2024. In *Peraturan Presiden Republik Indonesia Nomor 18 Tahun 2020*. Jakarta.
- Bappenas. (2019b). *Visi Indonesia 2045* (1st ed.). Retrieved from <https://luk.staff.ugm.ac.id/>

تلفیقی؛ نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۱۰، شماره ۴ - شماره پیاپی ۳۸، زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۶۳۵-۶۵۴

معروفی، یحیی. (۱۳۸۶). ارزیابی تکنولوژیکی و یادگیری آموزشی دانش آموزان و نقد روانشناختی برای عملکرد، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی

مقیم، سید محمد و وکیلی، یوسف و اکبری، مرتضی. (۱۳۹۲). نظریه کارآفرینی، انتشارات دانشگاه تهران چاپ دوم.

مقیم، مریم. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و زندگی‌نامه ای کارکنان سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی بر میزان مشارکت آنها در نظام پیشنهادها، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

نازنین بهزادی، سید مصطفی رضوی و سید رسول حسینی (۱۳۹۳). طراحی الگوی سنجش قابلیت‌های کارآفرینی دانشگاهی، مطالعه موردی دانشگاه تهران؛ نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۷، شماره ۴ - شماره پیاپی ۲۶، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۶۹۷-۷۱۳

ندا نجمی، زهرا آراستی، سید رسول حسینی (۱۳۹۶)، بررسی آموزش کارآفرینی در مقطع ابتدایی با هدف تقویت نگرش کارآفرینانه؛ توسعه کارآفرینی؛ زمستان ۱۳۹۶، دوره ۱۰، شماره ۴، از صفحه ۵۵۵ تا صفحه ۵۷۳.

Agrawal, T., & Agrawal, A. (2017). Vocational education and training in India: a labour market perspective. *Journal of Vocational Education and Training*, 69(2), 246-265. <https://doi.org/10.1080/133636820.2017.1303785>.

Asian Productivity Organisation. (2020). *APO Productivity Data Book 2020*. Retrieved from

atur/BahanPapanMPPN-VisiIndonesia۲۰۴۵-
۲۵September۲۰۱۷.pdf

-Barabasch, A., & Petrick, S. (۲۰۱۲). Multi-level policy transfer in Turkey and its impact on the development of the vocational education and training (VET) sector. *Globalisation, Societies and Education*, ۱۰(۱), ۱۱۹-۱۴۳.

<https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۱۴۷۶۷۷۲۴,۲۰۱۲,۶۴۶۹۰۴>